

و در يمني از کشورهام که اکثریت مردم استقلال فکری خود را از دست داده بجای اینکه به حمايت اهلنوعان گرسنه و ترا می خود برخیزند جمعیت حمايت حيوانات تشکیل میدهند تا انقضاة تمدن عقب نمانند .

دستی این مردمان واقع بین این صحنه های سراسیمه خیزه و دور از واقعیت را نمیدانند باچه منطقی توجیه کنند! ولی باکوچکترین تأملی در اوضاع و احوال جهان امروز بخوبی این حقیقت تلخ نمایان میگردد که زندگی ماشینی و تمدن و تکنیک منهای اخلاق و انسانیت و فاصله گرفتن ملتها از تعالیم آسمانی مناهیم و عقايق انسانی را از حدود و مسیر خود خارج نموده و بصورت کاملاً وارونه ای در آورده و نتیجتاً جوامع انسانی دست بگریبان تقاضات فراوانی شده است .

اسلام و حمايت حيوانات

اسلام بدون افراط و تشریط باروش کاملاً عادلانه ای روابط و مناسبات انسان و حيوانات را تحت قوانینی معین و محدود عرضه داشته و بدین ترتیب حمايت منطقی خود را در مقیاسی سدر و انسانی و اخلاقی اعلام داشته است . پیغمبر بزرگوار اسلام میفرماید :

حيوان سوادى بر صاحب خودش حق دارد ؛ در منزلى که فرود میآید او را عذوفه دهد ، هنگامیکه از آب میگذرد او را سیراب کند بصورت او شر به نزنند ، جز در راه خدا بر پشت او توبت نکنند ، پیش از شقاقت و قدرتش بر او بار نهند ، او را برای که ملاقاقت ندارد تبرد (۱) .
امیر المؤمنین علی علیه السلام هنگامیکه غنایم جنگ را قسمت میفرمود برای سواران سه سهم (دو سهم برای اسبهای آنان و یک سهم برای خودشان) (۲) و برای پیادگان يك سهم قرار میداد (۳) .

امام باقر علیه السلام فرمود : شهادت آنکس را که از همه حاجیان جلوتر بمقصد رسیده پذیرد زیرا او حیوان خود را اذیت کرده ؛ (۴) و امام صادق علیه السلام فرمود : زنی بعد از خدا گرفتار شد بدان جهت که گربه ای را بست تا از تشنگی مرد (۵)
پیغمبر اگر کم به شترى بر خود نمودند که از شدت تشنگی گوشهایش عرق کرده بود ، حضرت عرق حیوان را پاک نموده پس از حاضر صاحب آن فرمودند :

- (۱) من لایحضره الفقیه ص ۲۲۸ (۲) کسانی که دوا سب هم را داشتند
- (۳) وسائل الشیعه ج ۲ ص ۴۳۳
- (۴) وسائل الشیعه ج ۳ ص ۴۱۵ (۵) وسائل الشیعه ج ۲ ص ۲۰۳

اسلام آئین زندگی

علی حجتی گرمانی

(۲۷)

حمايت حيوانات

در يك مقیاس انسانی

همانطور که یاد آور شدیم مسئله حمايت حيوانات يك موضوع محدود و انسانی است و در این مرحله جای بحث و گفتگو نیست و در همین بحث خواهیم دید که اسلام بدون سرد صدا و تقاضات توحالی و عاری از حقیقت باچه اسلوب و روش انسانی و منطقی و عادلانه ای از جانداران جانبداری نموده و از آزاد و اذیت آنها جلوگیری بعمل آورده است .

ولی جان کلام و جای گفتگو اینجا است که همه مفاهیم انسانی در حدودی می توانند نقش اساسی خود را در صحنه زندگی بشری ایفاء کنند که راستی از جنبه های اخلاقی و عقايق انسانی منشأ گرفته و بهر کدام از آنها در چهار چوبه حدود و مقیاس های ویژه خود توجه شود شاید ما مفهومی انسانی تر و معتدلتر و ارزشمندتر از مفهوم و آزاد گاه نداشته باشیم اما ملاحظه میکنیم که در دنیای ماشینی امروز چگونه این مفهوم مقدس دستخوش تحریف شده و آزاد بخوانان و هواداران دموکراسی ؛ چه پلاها و بازیهای که سر آن در دنیا در راه انداخته و از همین قبیل است سایر مفاهیم و از جمله مفهوم حمايت حيوانات که با همه زیبایی و انسانی آن چنان گرفتار تند رویها و کج رویهای انسان تمدن امروز شده که نه تنها از دیدهای انسانی و اخلاقی بر خود دار نیست بلکه بصورت يك عمل در با کارانه و غیر منطقی در آمده و سبب غفلت و رها وجود آورده که تنفر و از چار هر انسان عاقل و شمس را بر میآید ، صحنه های که ارزش جان ملیونها نفر انسان در برابر مطامع آنها نیست فراموشی سپرده شده ، ولی حمايت از حيوانات را فراموش نکرده اند !

و در این موقع مردمان واقع بین در برابر جوامعی قرار میگیرند ؛ باسفا ، حیواند دوست ، دل حس و نازک دل ؛ که هرگز گوش و گریه آنها را بی تاثیر میکنند ولی بمردمان شهرهای بی دفاع و کشتار مردم بی سلاح کوچکترین اثری در آنها نمیگذارد !

آیا انخدالی که این حیوان را در اختیار توقیر داده هر اسنادی (۱)

اینها نمونه‌هایی است از طرف فکر و رفتار پیشوایان عالم مقام اسلام نسبت به حمایت از حیوانات و همین تمایم بود که در مسلمانان اثر گذارده و هنگامیکه سر بازان مسلمان کشور مصر را محاصره نموده بودند، پس از فتح مصر دستور فرماتند فرمانفرمان حرکت داده شد، در این موقع چند نفر از سر بازان مشاهده کردند که کبوتری بردوی تارک یکی از چادرها آشیانه ساختند و تخم گذارده و جوجه‌هایش هنوز قدرت پرواز ندارند و اگر جنوب کشیده شود جوجه‌ها بر زمین افتاده خواهند مرد.

چریان را با اطلاع فرماتند می‌رانند و در این مورد کتب تکلیف می‌کنند

مردار مسلمان دستور میدهد چند تن از سر بازان در محل باقی‌مانند پس از پرواز جوجه‌ها تخمه‌ها را بر سبزه و دیدگران ملحق شوند.

ارتش اسلام که سال بعد مجدداً آن حدود برگشتند در آن محل که در دام کوه (المعلم) واقع است شهری بنا کردند و آنرا بنام سلطان (خیمه) نامیدند.

حمایت معقول و منطقی اسلام را از حیوانات در جلال قروح قلبی زیر می‌توان به صورت واضح مورد مطالعه قرار داد:

قبه بزرگه شبهه صاحب کتاب جواهر در باب نفقه حیوان می‌نویسد:

۱- صاحب حیوان موظف است نفقه حیوان را بپردازد و لواطیکه از آن استفاده نکند و در غیر این صورت حاکم شرع وی را مجبور میکند و اگر یازم نبرد کرد، حکومت اسلامی حق دارد اسوال او را حراج کند و از قیمت آن ملوفه حیوان را تهیه نماید

۲- اگر کسی ملوفه را احکام کند، امداران می‌توانند به‌آگاه‌الاسلام شکایت کنند، و دادگاه هم‌انطور که دستور خوراک آنها را می‌نواشد، و آنها را بگذارد، در مورد ملوفه حیوانات هم حق دارد قفل آنها را محکوم کند و ملوفه را به قیمت عادلانه به امداران بفرشد.

۳- مستحب است صاحب حیوان اول به حیوان غذا بدهد و بعد خود غذا بخورد.

۴- اگر شخصی در بیابان یا طرف آب دارد و دو حیوان (سگ و گوسفند) هر دو تشنه‌اند و آب برای هر دو کافی نیست و به‌هم‌ریک از آنها آب بدهد دیگری از تشنگی می‌میرد باید آب را بسگ بدهد و گوسفند را ذبح کند زیرا ذبیحه گوسفند قابل استفاده است.